



Evaluation of Community-Based Components in Residential Complexes with the Aim of Improving the Quality of Life (Case Study: The Four Hundred Naziabad Residential Complex)

Khosro Pourjavan¹, Avidah Talaei^{2*} , Mohamad Hadi Kaboli³, Vida Taghvaei⁴

¹PhD Student, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²Assistant Professor, Department of Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³Assistant Professor, Department of Architecture, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

⁴Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 02.02.2021

Revised: 05.10.2021

Accepted: 05.10.2021

Keyword:

Residential complexes

Quality of life

Community-based

Belonging

Residential desirability

*Corresponding Author:

Avidah Talaei

Email: a.talaei@wtiau.ac.ir

ABSTRACT

Housing is one of the main pillars of family formation and is a factor in the formation of relationships between family members. The location of the residential environment lays the foundation for the connection between human beings and the community around them. Furthermore, the residential environment is the main factor in the growth and formation of human personality in dealing with their fellow human beings in society and prepares them to enter society. Residential complexes are considered as the most complex and basic function in the field of architecture of the last two centuries and can have many effects on the behavior of residents and their relationships. In order to promote social relationships in residential complexes, community-based components should be explored. The main research question addressed the factors affecting the presentation of a community-based model. Therefore, in order to answer the research question, first, the main factors related to the subject including environment, place, identity, territory and social interactions were examined and then secondary factors including neighbor affiliation, communication, collective architecture, green space and security were considered. In order to investigate the case study, the 400 Naziabad residential complex was selected and a suitable questionnaire distributed among its target residents. Statistical diagrams were used to analyze the questionnaire to reach a logical inference of the data. For this purpose, a quantitative diagram was used. It should be noted that the research method in this article was a combination with a case study, and the collection, analysis and combination of quantitative and qualitative information on the subject of study was carried out in order to identify the research problem. Finally, the necessary conclusions were presented.





دانشگاه فنی و حرفه‌ای
تکنولوژی و مهارت

کارافان

فصلنامه علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۸، ویژه‌نامه شماره ۱، ۵۷-۳۵

آدرس نشریه: <https://karafan.tvu.ac.ir/>

doi:10.48301/KSSA.2021.130346

20.1001.1.23829796.1400.18.0.3.0



شاپای الکترونیکی: ۴۴۳۰-۲۵۳۸

شاپای چاپی: ۹۷۹۶-۳۳۸۲



ارزیابی مؤلفه‌های اجتماع‌محور در مجتمع‌های مسکونی با هدف بهبود کیفیت زندگی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه نازی‌آباد)

خسرو پورجوان^۱، آویده طلایی^{۲*}، محمد هادی کابلی^۳، ویدا تقوایی^۴

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- ۲- استادیار، گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- ۳- استادیار، گروه معماری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.
- ۴- دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

مسکن، یکی از ارکان تشکیل خانواده می‌باشد و عامل شکل‌گیری روابط میان اعضای خانواده می‌باشد. مکان محیط مسکونی، زمینه‌ساز ارتباط میان انسان‌ها با اجتماع پیرامون آنان است. همچنین محیط مسکونی، عامل اصلی رشد و شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها در برخورد با هم‌نوعان خود در جامعه است و آنان را برای ورود به جامعه آماده می‌کند. مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان پیچیده‌ترین و اساسی‌ترین عملکرد در عرصه معماری دو قرن اخیر به حساب می‌آیند و می‌توانند تأثیرات بسیاری در رفتار ساکنان و روابط آن‌ها داشته باشند. به‌منظور ارتقای روابط اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی باید مؤلفه‌های اجتماع‌محور واکاوی شوند. پرسش اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر ارائه الگوی اجتماع‌محور تأثیرگذار هستند. لذا برای پاسخ به پرسش پژوهش، ابتدا عوامل اصلی مرتبط با موضوع شامل محیط، مکان، هویت، قلمرو و تعاملات اجتماعی بررسی شدند و در ادامه، عوامل ثانویه شامل تعلق خاطر، ارتباط همسایگان، معماری جمعی، فضای سبز و امنیت بررسی می‌گردند. نمونه موردی، مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه نازی‌آباد انتخاب گردید و پرسش‌نامه مناسبی در میان ساکنان هدف، توزیع گردید. برای تحلیل و بررسی سوالات پرسش‌نامه از نمودارهای آماری استفاده شد تا به استنتاج منطقی داده‌ها دست یابیم. بدین‌منظور از نمودار کمی استفاده شد. شایان ذکر است که روش تحقیق در این مقاله، ترکیبی با مطالعه موردی می‌باشد و جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در موضوع مطالعه به‌منظور شناخت مسئله تحقیق انجام شده است.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

کلید واژگان:

مجتمع‌های مسکونی
کیفیت زندگی
اجتماع‌محور
تعلق خاطر
مطلوبیت مسکونی

*نویسنده مسئول: آویده طلایی

پست الکترونیکی:

a.talaei@wtiau.ac.ir



© 2021 Technical and Vocational University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).

مقدمه

مسکن از دیرباز، یک مکان فیزیکی تعریف شده است. انسان‌ها به‌صورت فردی یا گروهی در آن سکنی می‌گزینند؛ بنابراین مکانی امن و سرپناهی برای رفع نیاز اولیه و اساسی فرد و در زندگی گروهی خانواده است. رشد روزافزون جمعیت و به تبع آن افزایش تقاضای مسکن، موجب ایجاد تغییرات زیادی در الگوی مسکن شده است. فضاهای عمومی مشتمل بر فضاهای گوناگونی چون معابر، فضاهای باز عمومی، میدان‌ها، پلازاها، پارک‌ها، زمین‌های بازی، سواحل و کناره‌ها و سایر فرم‌های فضاهای تجمع می‌باشند. ایجاد کوی‌های مسکونی برای رفع نیاز مسکن نیازمندان و نیز احداث مجتمع‌های مسکونی کوتاه و بلندمرتبه در مقیاس کوچک و بزرگ، بی‌توجهی به فضای باز در برابر توده ساختمانی، از مشکلات اصلی مجتمع‌های بلندمرتبه در تأمین مقیاس انسانی، محصوریت فضایی، ترکیب زیباشناسانه و فضای سبز مناسب می‌باشد [۱]. مجتمع‌های آپارتمانی در شهرهای بزرگ، رونق فراوانی دارد و قیمت زمین و آپارتمان به نسبت توان اقتصادی خانوارها، به واحدهای مسکونی و محله‌های شهری، حالت طبقاتی داده است [۲]. مارتین هایدگر^۱ نشان داده است که واژه‌های مترادف (بنا) و (مسکن) و (وجود) هم‌ریشه‌اند و می‌گویند فقط آنگاه که بتوانیم سکنی گزینیم، می‌توانیم بسازیم و سکنی گزیدن، صفت اصلی وجود است [۳]. از آن جا که خانه، مکانی مقدس قلمداد شده باید شاخصه‌های مکان مقدس را نیز دارا باشد. در کالبد بنا هر آنچه مقدس است تنها در صورتی تقدس خود را حفظ می‌کند که دسترسی به آن سخت یا غیرممکن باشد، برای رسیدن به آن، نیاز به گذار از چندین گذرگاه باشد، صوری حرف اول را بزند، مرحله‌ای برای رسیدن با او وجود داشته باشد یا باید دروازه‌های زیادی را پشت سر گذاشت [۴]. نوربرگ شولتز^۲ می‌گوید: خانه، گوشه‌ای است که ما پس از تجربه به ابعاد مختلف جهان مشاع پیرامون، به آن بازمی‌گردیم؛ یعنی جایی که جهان دیگر در بی‌واسطه‌گی خود ظاهر می‌گردد. این به معنای منزوی شدن نیست بلکه مبین نوعی از ارتباط با جهان؛ یعنی ارتباط محرمانه سکونت خصوصی است؛ لذا دورنمای سکون را در دسترسی آدمی قرار می‌دهد و گهواره‌ای می‌شود که بتوان از آن گشت‌وگذاری دیگر آغاز کرد [۵].

بیان مسئله

سکونت، خلوت شخصی است که یکی از ابزارهای شکل‌گیری و پرورش هویت فرد است. خلوت فردی یا فضای خصوصی، مکانی است برای انجام رفتارها و کنش‌هایی که باید از نظاره دیگران پوشیده بماند و معنای سکونت خصوصی را دربرداشته باشد. خانه، حقیقتاً ما را به درون می‌آورد و نیازهای اساسی ما به بودن در جایی دیگر را برمی‌آورد. این کارکرد ماهوی مسکن است و خانه همواره مکان مرکزی وجود انسان است. مکانی که به شناسایی خود در عالم می‌رسد و مکانی که انسان حرکت خود را از آنجا آغاز می‌کند و بدان‌جا نیز باز می‌گردد [۳]. یکی از مسائل مهم مسکن، رابطه بین مسکن و تشکیل خانواده است. اگر برخی از افراد، مسکن مناسب پیدا نکنند ممکن است تشکیل خانواده را به تعویق بیندازند. با این وجود، میزان دسترسی به مسکن، در شکل‌گیری خانواده تأثیر دارد؛ این بستگی به فوریتی دارد که مردم می‌خواهند خانواده‌های جدیدی تشکیل دهند یا ندهند. مسکن، پیش‌شرط خاص ارتقای کیفی در جوانانی است که می‌خواهند ازدواج کنند [۶]. مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان مکانی جمعی برای زندگی‌های امروزی خانواده‌ها در شهرها هستند؛ لذا ضروری است شاخصه‌های مرتبط با مفهوم مسکن و مجتمع‌های مسکونی ارزیابی شوند. حال، پرسش اصلی این است که چه عواملی موجب ارتقای بهبود کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی در محوریت اجتماع‌محور می‌باشند؟ در ادامه پژوهش، نمونه موردی برای تبیین بهتر موضوع با نظر ساکنان در آن، ارزیابی می‌شود.

¹ Martin Heidegger (Born 1889 and death 1976)

² Christian Norberg-Schulz

فرضیه‌های تحقیق

تغییر در رفتار اجتماعی ساکنان با محیط زندگی آنان، ارتباط مستقیم دارد. رعایت اصول و قواعد در مسئله مسکن، مجتمع‌های مسکونی و ابعاد آن، موجب شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی ساکنان می‌گردد. عواملی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد، روابط اجتماعی، روان‌شناسی، تعامل اجتماعی، فضای شخصی و قلمرو، خلوت و تعلق، منجر به شکل‌گیری یک هنجار مناسب و ایجاد الگوی مطلوب رفتار اجتماعی می‌گردد. در مقابل، رعایت نکردن هنجارها در این زمینه، موجب ناهنجاری می‌باشد. بی‌هویتی در ساختار مسکن و تغییرات اساسی در ساختار مجتمع‌های مسکونی که زمینه‌ساز بروز ناهنجاری در افراد می‌شود، زمینه‌ساز ایجاد بحران‌های متعدد در جامعه می‌شود. بروز ناهنجارهای احتمالی همچون فردی، فرهنگی و هویتی، متأثر از فضای زندگی می‌باشد که زمینه‌ساز تغییر رفتار اجتماعی افراد ساکن در آن منطقه می‌شود؛ از این رو برای شکل‌گیری آنها در ایجاد سرزندگی و تغییر الگوی مناسب رفتار اجتماعی در ساکنان آنها مؤثر و متفاوت است. به‌منظور ارتباط موارد مطرح شده، ابعاد مختلف نمونه موردی اشاره شده در این پژوهش با هم‌فکری و همراهی کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی و تهیه پرسش‌نامه مرتبط بررسی می‌شود.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش، روش ترکیبی می‌باشد و سعی شده است اقداماتی برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات به‌صورت کمی و کیفی و مطالعه واحد به‌منظور شناخت مسئله تحقیق انجام گردد. در این مقاله، رویکرد پژوهشی است و از طریق سنجش هر دو دسته یافته‌های کمی و فرایندهای کیفی مطالعات ارزیابی می‌شوند. تحقیق، ترکیبی سنتزی است که اندیشه‌هایی از تحقیق کیفی و کمی را شامل می‌شود [۷]. تحقیق ترکیبی در این مقاله بر جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تأثیرگذار است. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، برآورد تعمیم‌پذیری داده‌های کیفی را آسان کرده است. همچنین در طول مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، داده‌های کیفی، نقش مؤثری در تفسیر، تشریح، توضیح و اعتباردهی به نتایج ایفا کردند. تلاش شده است با بهره‌گیری از نظرات کمی و کیفی، موضوع پژوهش ارزیابی شود. در بخش مبانی نظری به مباحث و استراتژی‌های حول روش جمع‌آوری داده‌ها (پرسش‌نامه، مصاحبه و ...) روش‌های تحقیق (آزمایش، مردم‌نگاری) و بررسی نمونه موردی پرداخته می‌شود. فرایند شناخت و تحقیق در زمینه رسیدن به الگوی اجتماع‌محور در مجتمع‌های مسکونی لازم است پیش از ساخت چارچوبی متعین برای فهم حقیقت، نسبت به طراحی چشم‌انداز تحقیق اهتمام داشت.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

مسکن، به‌تنهایی می‌تواند آستن و زمینه‌ساز اتفاقات مثبت و منفی باشد که در محیط‌های زیستی به‌وقوع می‌پیوندد، بنابراین این تغییرات احتمالی متأثر از الگوی رفتار اجتماعی افراد در محیط‌زیست، ناخودآگاه شرایط زندگی ساکنان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کشورهای توسعه‌یافته در حوزه مسکن و محیط‌زیست ساکنان خود، نگاهی ژرف به موضوع دارند. به‌خصوص در دوران معاصر و پس از مدرن با تغییر نگاه به حوزه مسکن، زیرساخت‌های محیط‌زیست خود را ثبات می‌بخشد. حال باید این موضوع واکاوی شود که در ایران چگونه با این موضوع مهم و حیاتی برخورد می‌گردد، نقش مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان کلان در این موضوع چگونه است. اگر بخواهیم شهرها، محله‌ها و بناهایمان را دوباره زنده کنیم، باید به احیای زبان‌هایمان بپردازیم، آن‌چنان که همگی بتوانیم از آنها استفاده کنیم، زبان‌ها حاوی الگوهایی پرمایه و سرشار از حیاتند، آنچه در درون این زبان‌ها می‌سازیم به خودی خود آواز زندگی سر می‌دهد [۴].

سؤالات تحقیق

این پژوهش در صدد دستیابی به پارامترهایی است که به کمک اجتماع‌پذیری، موجب ارتقای کیفیت می‌شوند و بهبود کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی را در پی دارند و هدف، رسیدن به الگوی مناسب اجتماع محور می‌باشد. مهم‌ترین سؤالات پیش روی تحقیق، موارد زیر می‌باشد:

- چه عواملی در تعیین سبک الگوی رفتار اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار هستند؟
- نقش مجتمع‌های مسکونی و ساختار آنها در ایجاد سرزندگی و تغییر الگوی مناسب اجتماع محور در ساکنان آن چقدر می‌باشد؟
- عوامل مهم در مطلوبیت فضای مسکونی کدامند؟

پیشینه تحقیق

ابتدای قرن بیستم، دو دیدگاه متضاد واحدهای مسکونی لوکوربوزیه^۱ و واحد همسایگی یا محله پیشنهادی کلارنس پری^۲ برای واحد همسایگی مطرح گردید که آثار کالبدی و اجتماعی مهمی بر شکل‌گیری محله و طراحی مجتمع‌های واحد مسکونی بعد از خود نهادند. لوکوربوزیه واحد مسکونی ماری شامل ۳۳۰ واحد مسکونی در ساختمان ۱۷ طبقه در محیط سبز وسیعی با فروشگاه، مهدکودک و بقیه امکانات عمومی در درون آن طراحی کرد. این مجتمع مسکونی هفده طبقه به‌صورت یک محله خودکفا و پاسخگوی نیاز کاربران است. کلارنس پری، الگوی در سطح واحد همسایگی را به‌منزله محیطی اجتماعی- کالبدی برای توسعه مناطق مسکونی شهری پیشنهاد کرد. پری، چهار عنصر اصلی را برای چنین محیطی تعریف کرد که شامل یک مدرسه ابتدایی، پارک کوچک یا زمین بازی، فروشگاه‌های کوچک و ترکیبی از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و خدمات عمومی با دسترسی ایمن پیاده بود [۸].

واتر^۳ و نویت^۴ (۱۹۸۷) سه نوع رویکرد را برای معماری جمعی توضیح داده‌اند: رویکرد جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و سیاسی. به دلیل آنکه معماری جمعی در کشورهای مختلف، اصولاً پس از بحران‌ها مطرح شده و فعالان سیاسی نقش مهمی در این فرایندها داشته‌اند، رویکرد سیاسی، مطرح شده که در ادبیات موضوع ما مورد ارجاع نیست و بررسی تفاوت‌های دو رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه نیز حاکی از آن است که رویکرد جامعه‌شناسانه بیشتر متوجه نحوه عملکرد اجتماع و رویکرد روان‌شناسانه، متوجه طراحی جمعی است. مفهوم احساس جمعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، نقش قابل‌توجهی را در رویکرد روان‌شناسانه دارد و از شاخص‌های مهم در راستای شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و ضمانت اجرایی فرایند طراحی جمعی است [۹].

جک.ال.نسر^۵ و همکاران (۱۹۹۵) تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مختلف مؤثر بر روابط اجتماعی ساکنین در محله‌های مسکونی» در آمریکا و از طریق آزمون‌های تطبیق و قیاس بین مجموعه‌های مسکونی با طرح‌های گوناگون به انجام رساندند و با توجه به پرسش‌نامه‌هایی که ساکنان مجموعه‌ها پر کرده بود دریافتند که در چندین راهکار مواجه با مجموعه‌های تک‌عملکردی و نیز خانواده‌های دارای فرزند، به دفعات مرافقه و تعاملات همسایگی بیشتری دارند. همچنین مشاهده شد که آپارتمان‌هایی که محوطه یا فضای سبز داشتند به‌طور چشم‌گیری از آپارتمان‌هایی که حیاط و فضای سبز و ... نداشتند مرافقه و تعاملات ساکنین بهتر و بیشتری دارند. در تحقیق هانگ (۲۰۰۶) از تایوان تأثیر رابطه طراحی محوطه‌های مجموعه‌های مسکونی بر میزان تعاملات اجتماعی ساکنین بررسی و سنجیده شده است؛ بدین

¹ Le Corbusier (Born 1887 and death 1965)

² Clarence Perry (Born 1872 and death 1944)

³ Wates

⁴ Charles Knevtit (Born 1952 and death 2016)

⁵ Jack Al-Nasr

صورت که به‌صورت جداگانه در سه مجموعه، برگه‌های پرسش توزیع شد و در غایت، حاصل به‌دست‌آمده گویای تأثیر فراوان و مثبت فضای سبز و چشم‌انداز نیکو، فضاهایی برای تفریح و استراحت نسبت به مجتمع‌های فاقد این گونه امتیازات بود [۱۰].

مبانی نظری پژوهش

برای ورود به موضوع پژوهش، ابتدا به پنج عامل مهم اولیه مطلوبیت زندگی پرداخته می‌شود. هدف اصلی، رسیدن به مطلوبیت زندگی اجتماع‌محور است که این عوامل به‌تنهایی موجب ارتقای اجتماع‌محوری نمی‌شوند؛ بنابراین به عوامل تکمیلی دیگری نیز نیاز می‌باشد. در ادامه، پنج عامل ثانویه مکمل، معرفی و بررسی می‌شوند:

عوامل اولیه مرتبط با ایجاد الگوی اجتماع‌محور

محیط

محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که ابعاد گوناگون دارد. داده‌های فضایی، جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی و زیستی از ابعاد مهم محیط محسوب می‌شوند [۱۱]. محیط، سلسله‌مراتبی تعریف می‌شود که افراد در مرکز آن حساب می‌شوند و توسط محیط رفتاری، محیط ادراکی، محیط عملی و محیط جغرافیایی احاطه می‌شوند. محیط از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت افراد به حساب می‌آید. برخی دیگر از صاحب‌نظران، چهار نوع محیط را تعریف می‌کنند:

۱. محیط کالبدی: شامل محیط‌های فیزیکی و فضاهای مصنوع

۲. محیط اجتماعی: افراد و گروه‌ها و ...

۳. محیط روان‌شناختی: آنچه در ذهن فرد رخ می‌دهد.

۴. محیط رفتاری: مجموعه عواملی که فرد به آنها واکنش می‌دهد [۱۲].

از طرفی، محیط زندگی انسان فوق‌العاده متنوع، غنی و مملو از ابهامات و مجهولات است و انسان با محدودیت زمان برای تصمیم‌گیری و همین‌طور محدودیت ظرفیت برای ذخیره کردن اطلاعات مواجه است. انسان در هر زمان و هر فضا تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می‌کند. این اطلاعات محدود، تصویر کامل و جامعی هرچند نادرست از محیط اطراف به‌دست می‌دهد. در هر تجربه، انسان، عمدتاً به تجارب قبلی که اطلاعات آن در ذهن ذخیره شده تکیه می‌کند تا از این طریق، تصویر ذهنی خود از محیط را کامل و پر کند [۱۳].

محیط مسکونی یا کالبدی

مکانی است که بستر خاطرات افراد می‌شود و موجب پیوند فرد با گذشته او می‌گردد و می‌تواند او را از بی‌مکانی و بی‌زمانی‌های رهایی بخشد؛ از این رو به‌منظور حفظ، تقویت و ارتقای عوامل خاطره‌انگیز باید پیوندی میان ساکنان و محیط‌های مسکونی به‌وجود آید و احساس تعلق را در آنها افزایش داد. عوامل خاطره‌انگیز می‌توانند کالبدی یا حتی فعالیتی باشند؛ برای مثال یک بازار، یک فضای تفریح، یک فضای ورزشی خاص، یک فضای عبادی و حتی یک تک درخت و... می‌تواند به‌عنوان کالبدی معرفی شوند یا فعالیت‌های مشخصی همچون کار، تحصیل در محیطی خاطره‌انگیز، احساس تعلق را در فرد ایجاد کند؛ بنابراین محیط مسکونی، تأثیر به‌سزایی در پیوند افراد ساکن در آن محله یا فضای کالبدی دارد. یکی دیگر از مواردی که در ارتقای احساس تعلق خاطر به محیط مسکونی کمک شایانی می‌کند، روان‌شناسی محیطی می‌باشد. روان‌شناسی محیطی به مطالعه و بررسی نوع رابطه و نحوه تعامل انسان با

محیط کالبدی پیرامونش می‌پردازد. تأثیرات تقابل رفتار انسان و محیط سبب تفکیک دانش روان‌شناسی محیطی گردیده است. روان‌شناسی محیطی، علم تجربی- اکتسابی مطالعه در روابط انسان- محیط است که با گردآوری دانش‌هایی از حوزه‌های مختلف در یک زمینه روان‌شناسی به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می‌پردازد. به عقیده رابرت گیفورد^۱ روان‌شناسی محیطی با شاخه اصلی روان‌شناسی، تفاوت دارد؛ زیرا به محیط فیزیکی روزمره می‌پردازد. این علم، چارچوبی از نظرات، تحقیق‌ها، و فرضیات را فراهم می‌آورد که می‌تواند به ما درک بهتری از روابط متقابل انسان و محیط اطراف کمک کند [۱۴].

هلیاخ^۲ نخستین پایه‌گذار روان‌شناسی محیط نامیده می‌شود و داده‌های محیطی را به سه نوع تقسیم می‌کند: **محیط طبیعی**؛ مانند خاک، هوا، نور، جنگل و ... که انسان و رفتار وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌وسیله انسان دگرگون می‌شود.

محیط اجتماعی؛ موضوع آن را بحث فضای زندگی اجتماعی که همان مسکن، محله و شهرهاست تشکیل می‌دهد.

محیط فرهنگی؛ شامل کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، قوانین، دولت‌ها، بناها و شهرها است. محیط فرهنگی به‌وسیله انسان ایجاد شده و تاریخ را منعکس می‌کند [۱۰].

بنا بر نظر کریک^۳ روان‌شناسی محیطی، مطالعه روان‌شناختی رفتار انسان به‌گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد. روان‌شناسی محیطی، رابطه انسان با محیط کالبدی و تأثیرات این دو را بر یکدیگر به گونه‌ای بررسی می‌کند که ارزش‌ها و احتیاج‌های او مورد توجه قرار گیرد و به موضوعاتی که در تشریح رفتارهای مردم نقش اساسی دارند مانند ادراک و شناخت و رفتارهای فضایی بپردازد. پس روان‌شناسی محیطی به مطالعه تجربه فردی و جمعی مردم از مکان‌ها نیز که از نوع رفتارهای بنیادین انسان می‌باشد، علاقه‌مند است [۱۵].

مکان

یکی از مهم‌ترین مباحث طراحی معماری، چگونگی خلق فضا است. اما مفهوم مکان، متفاوت از فضا است و به تعبیر شولتز، هستی فضاها از مکان‌ها است نه از خود فضا. مکان، فضای دارای معنا است [۱۶]. به همین دلیل، مکان را قسمتی از فضا که به‌وسیله روابط اجتماعی مشخص می‌شود، تعریف کرده‌اند [۱۷]. ابعاد سازنده هویت برای مکان، مشتمل بر مجموعه‌ای از مفاهیم و کیفیت‌های فیزیکی و رفتاری و ادراکی است. حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و این خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌باشد. دستیابی به هویت و در نتیجه بهره‌برداری بهتر از محیط موجب رضایت استفاده‌کنندگان و احساس تعلق به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود [۱۷]. مفهوم مکان، چیزی بیش از جایگاه تجربیدی و کلیتی است که از موارد عینی دارای مصالح مادی، شکل، بافت و رنگ شکل گرفته‌اند. این موارد، خصلت محیطی را تعیین می‌کنند. مکان، یک پدیدار کیفی و کلی است و نمی‌توان آن را به هیچ‌یک از خصوصیاتش مانند نسبت‌های فضایی، بدون از دست دادن ماهیت عینی آن فروبکاهیم [۳].

مارک اوژه^۴ مردم‌شناس فرانسوی، فضاهای عملکردی مانند بزرگراه‌ها، کنار جاده، رستوران‌ها، ایستگاه‌های مترو و مراکز خرید را غیرمکان می‌نامد و این‌ها را برخلاف مکان‌های انسان‌شناسی که از نظر اجتماعی مطرح هستند معرفی می‌کند. این مکان‌ها به نوعی تکمیل‌کننده مکان‌هایی هستند که به‌عنوان محله شناخته می‌شوند [۵]. محل زندگی به‌شدت به ساکنان و فضا متصل است. مسکن از دیدگاه نوربرگ شولز چنین است که اگر بدانید کجا هستید، می‌دانید

¹ Robert Gifford

² Hellpach

³ Craik

⁴ Marc Augé (Born 1935)

که هستید. احساس راحتی در خانه، حاکی از مکان‌های معناداری است که در آن قادر هستید خود را جهت دهید، هویت خود را بیان کنید و همچنین مکان را بشناسید. این نشان می‌دهد که هنگامی که شما در خانه مسکونی زندگی می‌کنید با داشتن یک تشخیص سلامت روان، باید هویتی داشته باشد تا زندگی را معنی دهد. مکان، عامل مهمی است که می‌تواند به فضا هویت و معنا بخشد. به تعبیر نوربرگ شولز، نیاز به مسکن، با محافظت و بودن، ارتباط دارد و امکان ابراز هویت به‌عنوان یک شهروند در جامعه و یک عضو با جهت‌گیری به سمت بهبود ممکن است. مکان‌های معنی‌دار برای زندگی، فرصت تعامل فراهم می‌کنند و با هر کس که می‌خواهید چه در اتاق یا آپارتمان خود یا در جاهای دیگر مانند پارک‌ها یا اماکن مقدس ارتباط برقرار کنید، مکان معنی‌دار تعریف می‌شود [۱۸].

ساختار مکان

ساختار مکان، برحسب چشم‌انداز و قرارگاه تعریف می‌شود و به‌وسیله مقوله فضا و خصلت، تحلیل می‌گردد. خصلت، نسبت به فضا، مفهومی کلی‌تر و نیز عینی‌تر است. از یک سو به یک جو کلی فراگیر و از دیگر سو به شکل عینی و به جنس عناصر تعیین‌کننده فضا مربوط می‌گردد. خصلت به‌وسیله ساختار مادی و شکلی مکان، تعیین می‌گردد. پس کرانه‌هایی که مکان را تعریف می‌کنند بسیار مهم هستند. ساختار مکان به‌صورت تمامیت‌هایی محیطی ظاهر می‌گردد که در برگیرنده وجوه خصلت و فضا است. این مکان‌ها همچون منطقه، چشم‌انداز، قرارگاه، کشور، ساختمان و ... شناخته می‌شوند [۳].

هویت

هویت، معنی یک مکان است؛ یعنی یک مکان، ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد؛ در حقیقت، هویت به قلمرویی از حیات اجتماعی اطلاق می‌شود که متعلق به فرد باشد. هویت، احساس این همانی انسان با فضا (رابطه هویت انسان و هویت پدیده‌ها) مرتبه و درجه‌ای از هویت است و با به‌کارگیری تعبیری همچون «من»، «خود»، «شخصیت»، «تعلق» و نظایر آنها برای فرد و اجتماع، هویت شکل می‌گیرد. انسان به‌عنوان یک عامل اصلی در هویت، تابع سه ویژگی: جسم، ذهن و روح یا جسم، نفس و روح است [۱۹]. در ادبیات عرفانی ایران، هویت، به ذات مطلق خداوند اطلاق می‌شود؛ لذا معنی وجود و هستی را برمی‌آورد. در باب تعریف هویت به نظر فارابی؛ از حکمای مسلمان اشاره می‌شود: هر چیزی دارای ماهیتی است ممتاز از وجود (هویت)، ماهیت، عین وجود نیست و وجود جز مقدم ماهیت هم نیست. بدین گونه فارابی در اینجا کلمه هویت را با کلمه وجود به‌طور مترادف به کار می‌برد. هویت، موضوعی است که موردنیاز و خواست هر انسانی است. در زمینه جنبه‌های هویت، موضوعات متنوعی مطرح است که کمال مطلوب، تطابق خواست انسان با آن چیزی است که نمایانده می‌شود و در عین حال وحدت جامعه را خدشه‌دار نمی‌کند و استقلال جامعه را تقویت و تداوم تاریخی ملی را فراهم می‌کند [۲۰]. ملاصدرا که همه موجودات را ممکن‌الوجود و نسبی می‌داند هویت را «هویت ساریه» دانسته است که در همه موجودات است و هر چند مطلق است، در قالب تمام تعینات خلقی ظهور دارد. داوود قیصری در مقدمه فصوص‌الحکم، هویت را چنین تعریف می‌کند: «آنچه را شیئیت شیئی به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند و به اعتبار تشخص، هویت گویند.» [۲۱] هویت‌مندی مسکن دارای دو بعد کالبدی و کارکردی می‌باشد که هریک به ترتیب، ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آنها را در بر می‌گیرد [۲۲].

عوامل تأثیرگذار بر هویت

هویت تحت تأثیر دو عامل مهم شکل می‌گیرد:

۱. **عوامل درونی** که به فرد و جامعه‌اش مربوط می‌شود و ناشی از مذهب، جهان‌بینی، تاریخ، فرهنگ و سایر قلمروهای معنوی انسان شکل می‌گیرد.
 ۲. **عوامل بیرونی** از سوی جوامع دیگر بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد و ناشی از تعاملات و تأثیرات سایر جوامع و دیگر تمدن‌ها بر فرد و جامعه شکل می‌گیرد [۱۸]. یک فضای عمومی می‌تواند به گونه‌ای باشد که هم سبب ایجاد تعامل و روابط اجتماعی و هم ضامن دارا بودن کیفیت کالبدی باشد.
- هویت اجتماعی** به نوعی از خود ساختمان و ساکنان شروع می‌گردد که شامل مجتمع‌های مسکونی، محله و جامعه است. هویت اجتماعی ساکنان (به‌عنوان یک احساس خود) در عرصه‌های اجتماعی حفظ، ساخته و تأیید می‌شود. محیط، یک عرصه اجتماعی ساکنان است که در آن همدیگر را ملاقات می‌کنند. پرداختن به مسئله چگونگی ساختار و کیفیت محیط ساخته شده، تعاملات اجتماعی را پشتیبانی می‌کند. تنظیمات اجتماع با مرزهای مشخص بین مناطق خارج از منزل و فضای عمومی، تعاملات اجتماعی بهتری را تشویق می‌کند؛ برای مثال اتاق ناهارخوری در یک واحد مسکونی، به گونه‌ای طراحی شده باشد که ساکنان آن بتوانند گردش، تعامل و برقراری ارتباط با یکدیگر به روش‌های مختلف برقرار کنند [۱۷].

قلمرو

مفهوم قلمرو تنها موضوع فضایی نیست بلکه یک پدیده اجتماعی نیز است. در حقیقت قلمرو را می‌توان موقعیت و مکان یک اجتماع در فضا دانست. بسیاری از رفتارهای اجتماعی دارای جنبه‌های قلمروگرا هستند که به‌صورت فضایی تعریف می‌شوند و با توجه به مکان‌ها تغییر می‌یابند. در حقیقت قلمرو، ابزاری شاخص برای گذر از یک فضای ساده است که می‌توان آن را یک سازوکار پشتیبان برای نیازهای اصلی زندگی مانند هویت، انگیزش و امنیت دانست. بنابر تحقیقات متخصصانی مانند رابرت آردری^۱، قلمرو پایی از نیازهای اصلی بیشتر موجودات است؛ لذا لقلمرو نقش اساسی در زندگی انسان‌ها دارد [۱].

در شهرهای قدیمی ایران، وجود سه نوع فضا با خصوصیات متفاوت قابل شناسایی است. این سه نوع فضا، اول فضاهای عمومی به‌صورت گذر و میدان، دوم فضای نیمه‌خصوصی - نیمه‌عمومی به‌صورت یک بن‌بست اختصاصی یا یک هشتی که به چند خانه راه داشته است و سوم فضای خصوصی حیاط و عناصر در برگرفته آن را شامل می‌شود. بدین ترتیب قلمرو را می‌توان به قلمرو یک محله، قلمرو چندین واحد مسکونی و قلمرو یک واحد مسکونی تقسیم‌بندی کرد [۲۳].

به عقیده ابروین آلتمن^۲ قلمرو به سه دسته تقسیم می‌شود:

- قلمروی اولیه:** قلمروهای اولیه، تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است، دیگران نیز آنها را مالک این قلمروها می‌شناسند، به شکلی دائمی تحت اختیار افراد هستند و در زندگی روزمره نقش اساسی دارند.
- قلمروی ثانویه:** قلمرو ثانویه، کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه‌های ثانویه در جامعه‌شناسی است. برخی قلمروهای ثانویه در آن واحد، هم در دسترس عموم و هم تحت نظارت استفاده‌کنندگان ثابت است.
- قلمروی عمومی:** این قلمرو، محدوده‌ای موقتی است و تقریباً هر کسی به آن دسترسی و حق استفاده از آن را دارد. این قلمرو را آزاد و اختیاری نیز می‌نامند [۲۴]. آلتمن رفتار قلمرویی، سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا گروه بیان می‌شود [۲۵].
- سه عامل مهم در ارتقای کیفی مسکن در مجتمع‌های مسکونی شامل موارد زیر می‌باشد:

¹ Robert Ardrey (Born 1908 and death 1980)

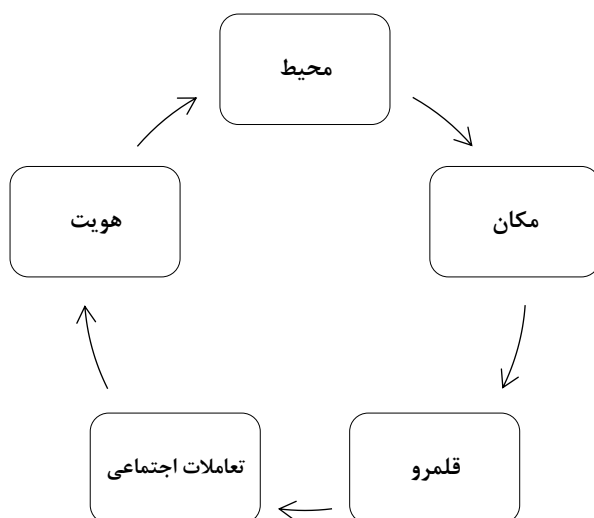
² Irwin Altman (Born 1930)

۱. بهزیستی (کیفیت زندگی، بهبودی)
 ۲. هویت اجتماعی (مقررات، برآمدگی، استقلال داخلی)
 ۳. حریم خصوصی (نظارت، ایمنی، تنهایی، صمیمیت).
- جان لنگ^۱ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در محیط رفتاری پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان «آفرینش نظریه معماری» به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تأثیرگذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرح‌واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشند [۲۶]. در مطالعه‌ای که روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته، نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند.^۲ این عوامل عبارتند از: اول دسترسی و به‌هم‌پیوستگی دوم آسایش و منظر سوم کاربری‌ها و فعالیت‌ها چهارم اجتماع‌پذیری [۲۷].

تعاملات اجتماعی

تعاملات اجتماعی در محیط‌های مسکونی برای تأمین رشد اجتماعی، عرصه مسکن علاوه بر خود واحد مسکونی باید محیط پیرامون آن را نیز در برگیرد؛ زیرا مسکنی که در محیط نامناسب قرار گیرد، حتی اگر خود دارای شرایط مناسبی باشد نمی‌تواند نیازهای طبیعی ساکنان خود را تأمین کند. ایجاد یک فضای مسکونی مناسب، نیازمند شناخت نیازهای خانواده در رابطه با محیط مسکونی آن در سطوح مختلف خواهد بود که اولین حلقه در بردارنده مسکن، در این نظام سلسله‌مراتبی، همسایگان است [۲۸].

برای رسیدن به مطلوبیت مسکونی و رسیدن به یک الگوی اجتماع‌محور باید پنج عامل مندرج در تصویر ۱ مورد توجه قرار گیرند.



تصویر ۱. عوامل اصلی (اولیه) در چگونگی دستیابی به مطلوبیت مسکونی (نگارندگان)

¹ John Lang (Born 1816 and death 1864)

² <https://www.pps.org>. (برای اطلاعات بیشتر به آدرس مراجعه شود)

عوامل ثانویه مرتبط با ایجاد الگوی اجتماع‌محور

در این بخش، عوامل ثانویه مؤثر در مطلوبیت زندگی الگوی اجتماع‌محور معرفی و بررسی می‌شوند.

تعامل

انسان‌ها همواره در محیط زندگی و پیرامون خود به‌وسیله تعامل با افراد نزدیک خود ارتباط برقرار می‌کنند. در واقع یکی از عامل پیوند فرد با جامعه است. تعامل، یکی از عوامل اصلی پیوند افراد با محیط پیرامونشان می‌باشد. ارتباط یکی از مهم‌ترین عناصر حیات اجتماعی می‌باشد و یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها می‌باشد. تعاملات افراد با یکدیگر در یک اجتماع همچون مجتمع‌های مسکونی، موجب رشد و توسعه روابط اجتماعی با یکدیگر می‌شود. یکی از عوامل مهم تعامل در جامعه امروزی، همسایگان می‌باشد که به‌واسطه زندگی‌های جمعی، دست‌خوش تغییرات بسیار شده است. محدودیت‌های زندگی در جوامع امروز، مشکلات روزمره، مشکلات اقتصادی، فعالیت‌های بسیار در طول روز و ... موجب کاهش تعامل در میان همسایگان شده است. در حالی که در گذشته نه‌چندان دور، همسایگان در محلات و مجتمع‌های مسکونی، رفت‌وآمد و تعامل بسیار بیشتری را با یکدیگر داشتند اما با رشد بیشتر جوامع بشری و رشد روزافزون تکنولوژی در ساخت خانه‌های مسکونی به‌دلیل بهره‌وری و استفاده بهینه از فضا، به عامل تعامل همسایگان در ساخت منازل مسکونی توجه زیادی نمی‌شود. تعامل در زندگی آپارتمانی موجب صمیمیت و حس آرامش در میان افراد می‌گردد؛ عاملی که در مجتمع‌های مسکونی کم‌رنگ شده است و گاهی همسایگان از یکدیگر با خبر نمی‌شوند.

تعامل و ارتباط همسایگان با یکدیگر

در گذشته نه‌چندان دور، ساختار محلات و کوچه‌ها به‌گونه‌ای بود که اعضای یک محل یکدیگر را می‌شناختند و روابط چهره‌به‌چهره با یکدیگر داشتند و ارتباط میان آنها بسیار نزدیک و صمیمی در جریان بود. در گذشته، ساختار کوچه‌ها و معابر شهری، بسیار تنگ و باریک بود و حتی در بسیاری از محلات، کوچه‌هایی به نام آشتی‌کنان وجود داشت که موجب می‌شد افرادی که در آن کوچه‌ها تردد می‌کردند به‌ناچار با هم رو در رو شوند و این زمینه‌ای را برای سلام و احوالپرسی به‌وجود می‌آورد و همین احوالپرسی‌های کوتاه و مختصر سبب آن می‌شد که افراد ساکن در آن محله از حال و روز هم خبر داشته باشند. تعامل در فضاهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی که صمیمیت را در محیط مسکونی ایجاد می‌کند شکل می‌گیرد. امروزه، تغییر ساختار در محلات و مجتمع‌های مسکونی، دگرگونی‌های بسیاری را در این نوع روابط اجتماعی به‌وجود آورده است. توسعه روزافزون تکنولوژی در زندگی روزمره و اشیای مصرفی، ورود اتومبیل‌ها به کوچه‌هایی که قبلاً بسیار باریک بودند و به‌نوعی یکی از عملکردهای کوچه، تعامل و ارتباط میان همسایگان بود، زمینه تغییر الگوی زندگی در محلات را پایه‌گذاری کرد. از دیگر ویژگی‌های کوچه‌ها و فضاهای جمعی موجود در مجتمع‌های مسکونی در گذشته، عوامل مؤثر فرایند یادگیری‌های اجتماعی و تأثیرپذیری اخلاقی و رفتاری کودکان، نوجوانان و بزرگسالان بود که نسبت به یکدیگر عرق داشتند و حتی مشکلاتی همچون اخلاقی و سرقت در محلات نیز به حداقل می‌رسید. از سویی، همسایگان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با ارائه الگوهای رفتاری خاص، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در شکل‌گیری باورها، کنش‌ها و واکنش‌ها و منش‌های یکدیگر داشتند. همسایگان، نقش به‌سزایی در گفتارها و فرهنگ زبان و کلام، نگرش‌ها، توقعات و انتظارات، انگیزه‌ها و تلاش‌ها و رفتارهای متنوع یکدیگر داشتند؛ به‌طوری که دوره‌های شبانه در میان همسایگان نیز عاملی برای نزدیک‌تر شدن آنان به یکدیگر بود؛ عاملی که امروزه بسیار کم‌رنگ شده است.

البته روابط همسایگی با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم مناطق، تعاریف متفاوتی دارد. ادوارد هال^۱ در کتاب «بعد پنهان» نمونه‌ای از همسایگی در انگلستان را چنین بیان می‌دارد: این واقعیت که شما در همسایگی خانواده دیگری زندگی می‌کنید بدین معنی نیست که شما حق ملاقات، قرض کردن یا برقراری روابط اجتماعی با آنها یا بچه‌های شما حق بازی با بچه‌های آنها را دارند. کسانی هم که سعی کردند صرفاً براساس نزدیکی با انگلیسی‌ها رابطه برقرار کنند به‌ندرت موفق شدند. این افراد ممکن است همسایه خود را شناخته و حتی آن را دوست داشته باشند. اما این کار امکان‌پذیر نخواهد بود چون در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند؛ زیرا روابط انگلیسی‌ها نه بر پایه هم‌جواری در فضا بلکه بر پایه پایگان و وضعیت اجتماعی افراد، طرح‌ریزی می‌شود [۲۹]. از تعامل میان همسایگان، تبادل شکل می‌گیرد. کمک به یکدیگر، رعایت حقوق متقابل یکدیگر و ایجاد یک الگوی هنجار ارزشمند را شکل می‌دهد. از ملاقات همسایگان، بالاترین شکل روابط ایجاد می‌گردد، در دوران خوشی و غم، مراسم مذهبی و رسمی، همه با هم و در کنار یکدیگر کمک می‌کنند.

مکان‌های ملاقات همسایگان

داشتن مکان ملاقات همسایگان، عامل تعیین‌کننده‌ای برای جذب حداکثری، ملاقات و تبادل با یکدیگر است. مکان‌های ملاقات در محلات قدیم، جایی برای دورهمی‌های گاه و بی‌گاه بود. این مکان‌ها از چمن محلات گرفته تا بازارها، چهارسوها، محل برگزاری مراسم مذهبی، فضاهای ورزشی اختصاصی و ... را در بر می‌گرفت. امروزه مکان ملاقات‌ها بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. این مکان‌های ملاقات با توجه به استفاده‌کنندگان آن متفاوت بود. اصولاً جوانان، پاتوق‌هایی را برای گردهمایی در نظر می‌گرفتند که با محل گردهمایی خانواده‌ها و افراد کهنسال، تفاوت داشت. کریستوفر الکساندر^۲ ملاقات‌های گاه‌گاه و غیررسمی را زمینه‌ساز توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم می‌داند. ضمن اینکه تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند [۲۴]. زندگی در یک مجتمع مسکونی پرفت‌وآمد و شلوغ می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به ارتباطات اجتماعی ساکنان آن وارد آورد. محققان معتقدند که یکی از تأثیرات منفی ناشی از تراکم جمعیت، کاهش روابط اجتماعی افراد است [۳۰]. در حقیقت، ارزش فضاهای باز و عمومی یک مجتمع مسکونی، به اهمیت یا بزرگ بودن آن نیست بلکه ارزش آن به صمیمیت فضایی و نزدیکی آن به محیط زندگی خصوصی است.

تعلق خاطر

تعلق خاطر، یک عنصر شاخص برای وابستگی فرد به یک مکان مشخص است. ممکن است میدان محلی، بازارچه، فضای بازی، فضای ورزشی یا نشست‌های خانوادگی یا دورهمی‌های شبانه ساکنان باشد. این عنصر مهم در لایه‌های هویتی و فرهنگی ساکنان، نهفته می‌باشد و ممکن است زمینه‌ساز و یادآور یک اتفاق مهم در طول دوران حیات یک فرد باشد. این مکان یا فضا در میان گروهی از افراد، خاطرات مشترکی را یادآوری و زنده می‌کند. یکی از موارد مهم تعلق خاطر، حس تعلق به مکان می‌باشد. محیط مسکونی، مکانی است که تمام گذشته فرد و خاطرات او را می‌سازد و موجب می‌شود تا افراد از بی‌مکانی و بی‌زمانی جدا شوند؛ بنابراین برای پیوند میان فرد و فضای زندگی او باید عوامل خاطره‌انگیز وجود داشته باشد. عوامل خاطره‌انگیز در جوانان، گاهی پاتوق‌ها، محل‌های گردهمایی و فضاهای ورزشی می‌باشد که عامل احساس تعلق آنان را عمیق‌تر می‌کند. تقویت این احساس تعلق، همبستگی اجتماعی را نیز در پی دارد، همچنین از آسیب‌های اجتماعی احتمالی بر جوانان می‌کاهد.

¹ Edward Hall (Born 1914 and death 2009)

² Christopher Alexander (Born 1936)

معماری جمعی

یکی از عوامل مهم رسیدن به یک الگوی اجتماع‌محور، معماری جمعی می‌باشد. واتز، نگاه خود را در ارتباط با معماری جمعی به طرح‌های دهه ۱۹۵۰ میلادی کشورهای در حال توسعه معطوف می‌کند که در آن، گروه‌های اجتماعی به‌صورت سامانه‌های خویش‌فرما، در فرایند طراحی، شرکت می‌کردند و آن را به‌عنوان یک رفتار اجتماعی پذیرفته بودند. در این طرح‌ها، متخصصان از کمک افراد عادی بهره می‌جستند. تجارب سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی نشان داد که نمونه‌های گوناگونی از مشارکت جمعی در معماری وجود دارد که هریک می‌تواند با دیگری تفاوت داشته باشد [۹]. حوزه معماری جمعی، وابسته به مباحث برنامه‌دهی معماری از منظر روانشناسی محیط است؛ به‌طوری که برای فهم و شناخت آن باید به موضوع برنامه‌دهی معماری بر مبنای علوم رفتاری (به‌ویژه روان‌شناسی محیط) توجه داشت [۳۱]. شیوه‌های طراحی جمعی نهادینه شده در آرمان‌های چهار دهه گذشته، به‌وضوح مدت‌ها پیش از بین رفته است.

فضاهای سبز و ورزشی

فضاهای سبز موجود در مجتمع‌های مسکونی، نه تنها عامل شادابی، سلامت جسمی افراد و سرزندگی در میان استفاده‌کنندگان از آن می‌گردد بلکه فضای سبز، عاملی برای افزایش تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد حس رضایت‌مندی ساکنان و بالا بردن روحیه خانواده‌ها نیز می‌شود. فضای سبز، عاملی برای زیباشناختی و تأثیرات زیست‌محیطی نیز می‌باشد. در پی گسترش فضای سبز در میان مجتمع‌های مسکونی، حس تعلق نیز در افراد بیشتر می‌شود. فضای سبز، بر رشد کودکان نیز تأثیر مستقیم دارد و افراد در همه رده‌های سنی، در فضای سبز، استرس‌های روزمره را از خود دور می‌کنند. کهنسالان در فضای سبز، احساس آرامش می‌کنند. فضاهای سبز از دیدگاه تأمین نیازهای زیست‌محیطی افراد و همچنین از نظر تأمین فضای فراغت و بستر ارتباط و تعامل اجتماعی، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و در ایجاد حس جمعی، نقش اساسی را ایفا می‌کنند. فضای سبز از آن جایی که می‌تواند مورد استفاده تمامی ساکنان قرار بگیرد، حالتی جمعی و عمومی نیز پیدا می‌کند. بر این اساس می‌توان آن را نوعی فضای نیمه‌عمومی معرفی کرد که به‌عنوان گره‌های فعالیت، نقش مهمی را در رفت‌وآمد، تعامل و سایر فعالیت‌های ساکنین مجموعه بر عهده دارند. علاوه بر آن، فضای سبز، پلی میان دنیای بیرون و درون یک مجتمع مسکونی است و این دو را به یکدیگر متصل می‌کند.

فضاهای اختصاصی ورزشی

یکی از نکات جالب توجه در ساخت مکان‌های ملاقات، احداث فضاهای ورزشی اختصاصی است که به تعبیری، به فضاهای نیمه‌خصوصی نیز تبدیل می‌شوند. لزوم ساخت این مکان‌ها نه تنها به حس هم‌بستگی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی کمک می‌کند بلکه به فضایی برای تخلیه انرژی جوانان و سایر افراد تبدیل می‌شود. در گذشته نه‌چندان دور، در چنین فضاها و زمین‌های خاکی که در محلات مختلف به‌خصوص جنوب تهران وجود داشت ورزشکاران ملی و بین‌المللی به جامعه معرفی شدند؛ بنابراین وجود این گونه مکان‌های ورزشی، زمینه رشد کودکان و نوجوانان خلاق را رقم می‌زند.

مبلمان و پارک‌ها در مجتمع‌های مسکونی

یکی دیگر از عوامل مهم هویت‌بخشی مجتمع‌های مسکونی، استفاده از مبلمان و پارک‌ها می‌باشد. پارک‌ها و مبلمان شهری، بخشی از سیمای شهر است و به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تأثیرگذار روان‌شناسی نیز شناخته می‌شوند. این دو برای ارتقای کیفیت فضای زندگی تأثیرگذار هستند. ساخت محیط‌های مصنوعی و مبلمان شهری در کنار

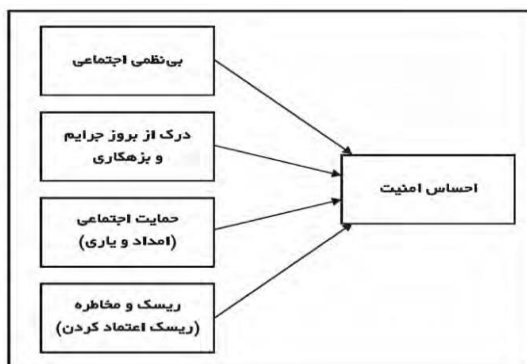
پارک‌ها و طبیعت، تأثیرات مثبت ادراکی بر افراد دارد؛ لذا لزوم توجه به این امر در کاهش استرس‌های روزانه افراد، کمک شایانی می‌کند.

امنیت

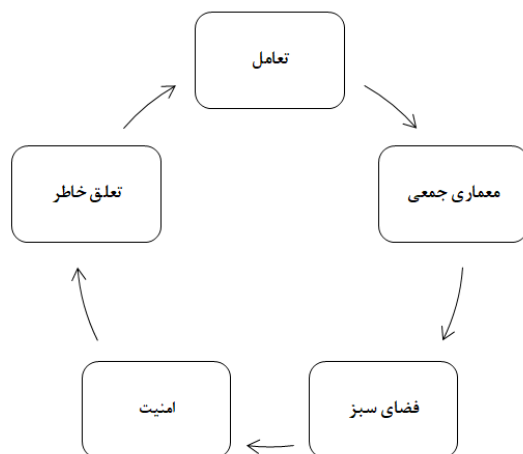
یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در تعاملات اجتماعی، امنیت است. امنیت، مؤلفه‌ای است که بر تعاملات اجتماعی، تأثیر مستقیمی دارد. مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آنها دارد که در صورت تأمین نشدن شرایط پیشگیری کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به‌صورت بالقوه و بالفعل، تهدید خواهد کرد. یک فضای شهری امن در معنای کامل آن، شامل هر دو مؤلفه فوق‌الذکر می‌شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را می‌توان به‌عنوان فضای شهری امن توصیف کرد [۳۲].



تصویر ۲. هرم مازلو- جایگاه امنیت در بین نیازها



تصویر ۳. الگوی تحلیلی عوامل تأثیر گذار بر احساس امنیت [۳۱]



تصویر ۴. عوامل ثانویه در چگونگی دستیابی به مطلوبیت مسکونی (نگارندگان)

بررسی و تحلیل وضعیت مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه نازی‌آباد

در سال ۱۳۱۷ بانک رهنی با مشارکت وزارت دارایی وقت و بانک ملی ایران در امر مسکن و ساختمان تأسیس شد و رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. موضوع فعالیت در امر ساخت مسکن بود. این مؤسسه در نقاط مختلف کشور و تهران، اقدام به ساخت خانه‌هایی محکم و مجهز کرد. در همین راستا مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه برای استفاده کارمندان کم‌درآمد دولت در سال ۱۳۲۳ شمسی شروع به ساخت گردید. هدف طرح، احداث خانه‌های ارزان‌قیمت برای اقشار کم‌درآمد و کارمندان دولت بود. کارمندان و کارگرانی در کارخانه چیت‌سازی، قند و شکر و کارخانه آرد منطقه، شاغل بودند. این طرح در دوره خود، طرحی نو و اقدامی کم‌نظیر بود. جالب است که با توجه به توان پایین این کارگران، دولت به آنان وام اعطا کرد و بیشتر کارگران، از اخذ وام و خرید این ساختمان‌ها سرباز می‌زدند. با توجه به قدمت ساخت این مجتمع‌ها، علاوه بر هدف اصلی طرح که خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد بود به موارد بسیاری در حوزه ساخت مسکن توجه شده است. این واحدهای مسکونی، در سه دوره زمانی احداث گردیدند و در ساخت آنها به برخی الزامات اولیه توجه شده بود (جدول ۱). هدف طرح، ایجاد ۴۰۰ واحد مسکونی بود اما این تعداد به ۸۰۰ واحد رسید. البته در نوع ساخت با توجه به سال ساخت تغییرات اندکی دیده می‌شود.

جدول ۱. ویژگی قدمت و کیفیت ابنیه محله چهارصد دستگاه (مطالعات میدانی نگارندگان)

سال ساخت	از شروع ساخت ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵	از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰	از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰
تعداد ساخت دستگاه	۴ دستگاه	۶ دستگاه	۱۰ دستگاه
تعداد واحد در هر دستگاه	۴۰ واحد (۴ طبقه‌ای)	۴۰ واحد (۴ طبقه‌ای)	۴۰ واحد (۴ طبقه‌ای)
متراژ واحدها	۷۶ و ۸۲ مترمربع	۷۸ و ۸۲ مترمربع	۸۲ و ۸۶ مترمربع



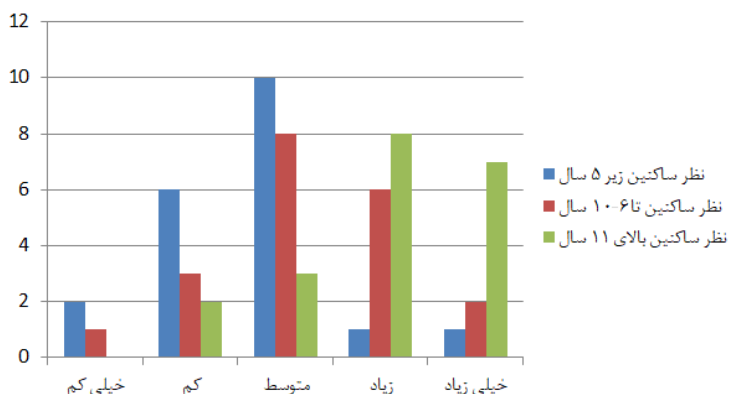
تصویر ۵. نمای کلی از مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه (نگارندگان)

به‌منظور بررسی و تحلیل و با توجه به اهداف پژوهش، پرسش‌نامه‌ای با همکاری یک جامعه‌شناس تهیه شد و با در نظر گرفتن وضع موجود نمونه موردی (مجتمع چهارصد دستگاه در جنوب تهران) جامعه آماری انتخاب گردید. هر بلوک، ۵ ورودی مجزای ۴ طبقه و در هر طبقه ۲ واحد دارد که جمعاً ۴۰ خانوار ساکن هستند. امروزه در این آپارتمان‌ها سه دسته کلی ساکن هستند: دسته اول، افرادی که دو نسل آنها در این مکان زندگی کرده‌اند و بعضی ساکنان این مجتمع‌ها را افراد سالخورده تشکیل می‌دهند و بیش از ۳۰ سال سابقه سکونت در این مجتمع‌ها را دارند. این افراد مراسم جشن و عزای خود را بارها و بارها در این مکان تجربه کرده‌اند و جزء افراد بومی محسوب می‌شوند. دسته دوم، افرادی که سابقه سکونت بالای ۵ سال را در این مجتمع‌ها دارند و در مواردی از فرزندان دسته اول می‌باشند و جوانانی هستند که عرق به‌خصوصی نسبت به فضای زندگی خود دارند. دسته سوم، افرادی که به‌تازگی در این فضای مسکونی، صاحب خانه شده‌اند و از افراد غیربومی محسوب می‌شوند؛ از این رو عرق به‌خصوصی به این مکان ندارند و با خانواده‌های قدیمی، کمتر ارتباط دارند. برای بررسی موضوع، ۶۰ خانواده بررسی شد که شامل ۲۰ خانواده از دسته اول بالای ۱۱ سال سکونت، ۲۰ خانواده از دسته دوم که بین ۶ تا ۱۰ سال سابقه سکونت و ۲۰ خانواده از دسته سوم زیر ۵ سال سکونت بودند. آنها پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند و عواملی همچون حس تعلق، فضای جمعی، تعاملات اجتماعی، احساس آرامش، امنیت و ... مورد پژوهش و پرسش قرار گرفت. بدین منظور، شش عنوان به‌عنوان سؤالات اصلی از سه دسته ساکنان مجتمع پرسیده شد که عبارتند از:

۱. حفظ آرامش و حریم خصوصی ساکنین در مجتمع مسکونی (امنیت)

در پرسش‌نامه، نظرات ۶۰ ساکن (سه گروه ۲۰ نفره با توجه به سابقه سکونت) ارزیابی شد و در این سؤال، عوامل آرامش و حریم خصوصی ساکنان در مجتمع مسکونی که منجر به امنیت در محیط مسکونی می‌گردد بررسی شد که با توجه به نظرات ساکنان این گونه تصور می‌شود که احساس امنیت در ساکنان قدیمی، بیشتر وجود دارد و مهم‌ترین عامل آن، حس همبستگی است که سبب به‌وجود آمدن امنیت در ساکنان می‌شود. همچنین ساکنان زیر ۵ سال

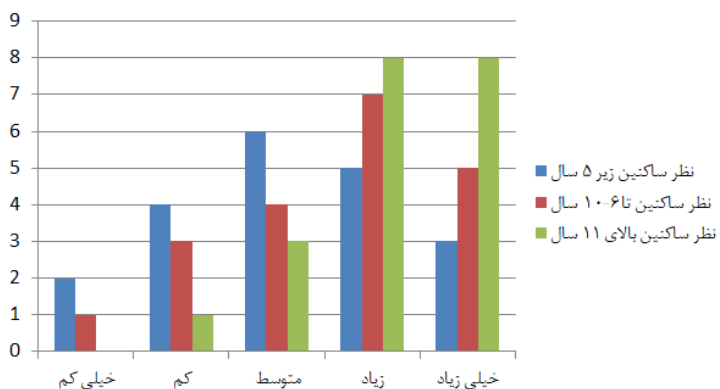
سکونت، دوست دارند حریم خصوصی‌شان با سایر همسایگان، حفظ شود و تمایلی به ارتباط زیاد با دیگر ساکنان ندارند.



نمودار ۱. حفظ آرامش و حریم خصوصی ساکنان در مجتمع مسکونی (نگارندگان براساس پرسش‌نامه)

۲. جاری بودن زندگی شبانه در محوطه مجموعه مسکونی (تعلق خاطر)

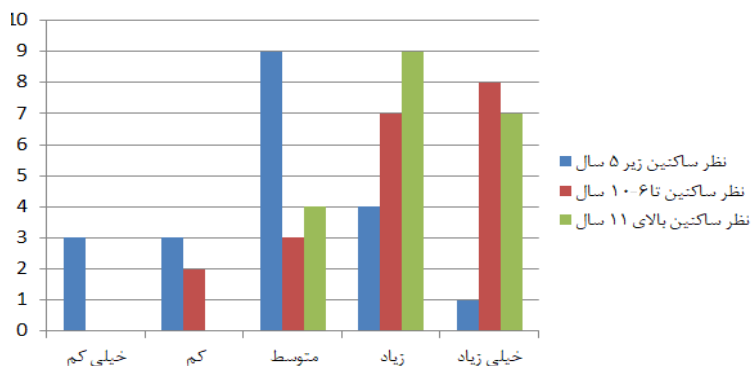
سؤال دوم بدین منظور مطرح شد که جاری بودن زندگی شبانه در محوطه مجموعه مسکونی، چگونه موجب تعلق خاطر می‌گردد. با بررسی پاسخ‌نامه می‌توان نتیجه گرفت که تعلق خاطر در همه ساکنان حس می‌گردد و این بدان معنا است که عوامل تعلق خاطر، فضای سبز بین بلوک‌ها (این فضاها دارای درختان تنومند بیش از ۵۰ سال عمر و فضای سبزی بالغ بر ۳۰۰۰ متر مربع می‌باشد و از ویژگی‌های بسیار خوب این مجموعه مسکونی به حساب می‌آید) و در جریان بودن زندگی شبانه خانوادگی، بر همه گروه‌های ساکن در مجتمع، تأثیر مثبتی داشته است.



نمودار ۲. جاری بودن زندگی شبانه در محوطه مجموعه مسکونی (نگارنده بر اساس پرسش‌نامه)

۳. رضایت و تمایل به حضور ساکنان در محوطه مجموعه مسکونی (تعامل و ارتباط همسایگی)

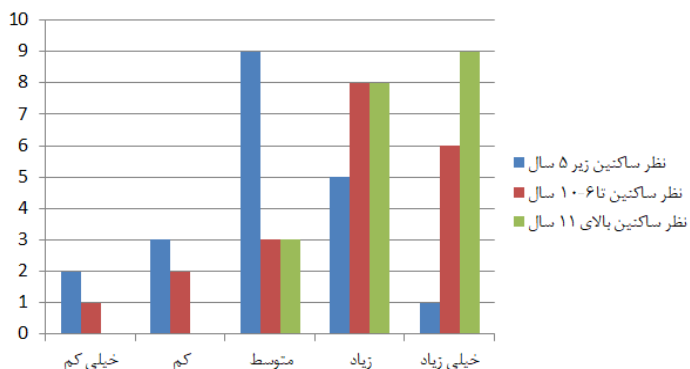
سؤال سوم با موضوع تعامل و ارتباط همسایگی، بررسی شد و هدف اصلی سؤال، نظرات ساکنان در خصوص شاخصه‌های اصلی رضایت ساکنان در محوطه مجموعه مسکونی بود که با توجه به نظرات مختلف، این‌گونه تصور می‌شود که تعامل و ارتباط همسایگی در خانواده‌های رده دوم، حتی بیش از ساکنان بالای ۱۱ سال است و نتیجه بررسی نشان می‌دهد که وجود فضاهای ورزشی نیمه‌خصوصی در مجتمع و ارتباطات دوستانه خانوادگی و تکایای مذهبی، بسیار تأثیر مثبتی داشته است.



نمودار ۳. رضایت و تمایل به حضور ساکنان در محوطه مجموعه مسکونی (نگارندگان براساس پرسش‌نامه)

۴. محیط مسکونی و قلمروی شخصی افراد ساکن در مجموعه مسکونی

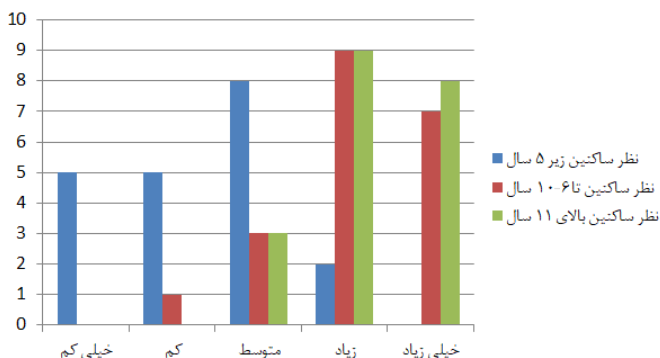
سؤال چهارم، نظرات ساکنین در خصوص محیط مسکونی و قلمروی شخصی افراد ساکن در مجموعه مسکونی بود که با توجه به نظرات گوناگون، این‌گونه تصور می‌شود که محیط مسکونی و قلمروی شخصی افراد ساکن در مجموعه مسکونی، بر همه گروه‌های ساکن در مجتمع، تأثیر مثبتی داشته است و دلیل آن، وجود فضای باز بسیار، فضای سبز اختصاصی و فضاهای ورزشی نیمه‌خصوصی می‌باشد که فرد، نوعی احساس قلمروی شخصی می‌کند.



نمودار ۴. محیط مسکونی و قلمروی شخصی افراد ساکن در مجموعه مسکونی (نگارنده براساس پرسش‌نامه)

۵. همسایگی ساکنان مجتمع مسکونی (معماری جمعی)

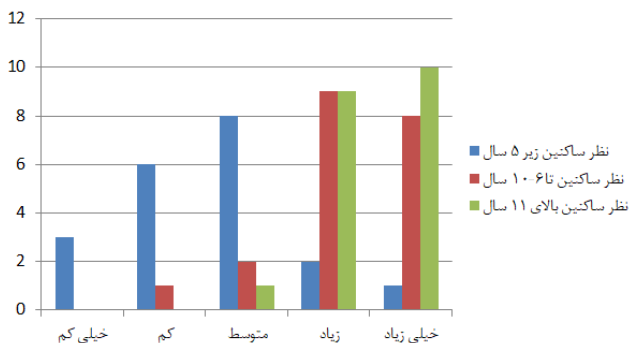
مبنای سؤال پنجم، موضوع همسایگی ساکنان یا به عبارتی، معماری جمعی بود. با توجه به اینکه ۴۰ خانوار در هر بلوک اقامت دارند و در دو سمت جلوی بلوک و پشت بلوک، فضای جمعی برای ساکنان طراحی شده است و ساکنان از پارکینگ‌های روباز روبه‌روی مجتمع استفاده می‌کنند؛ ملاقات‌های گاه‌وبی‌گاه و دورهمی‌های کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت در طول شبانه‌روز، موجب ارتباطات بیشتر میان ساکنان می‌شود. به‌خصوص این موضوع در دو دسته ساکنان اول و دوم، بسیار بیشتر حس می‌گردد و خانوارهای دسته سوم به‌دلیل غریبگی کمتر با خانواده‌های قدیمی، ارتباط برقرار می‌کنند.



نمودار ۵. همسایگی ساکنان مجتمع مسکونی (معماری جمعی) (نگارندگان براساس پرسش‌نامه)

۶. مفهوم هویت افراد ساکن مجموعه مسکونی

در سؤال ششم، موضوع هویت و عوامل پیرامونی آن از دیدگاه ساکنان، مد نظر بود که با توجه به نظرات مختلف، این گونه تصور می‌شود که در دو دسته ساکنان اول و دوم، مفهوم هویت بسیار شاخص می‌باشد. به‌خصوص افراد سالخورده نسبت به محل زندگی خود، احساس آرامش و تعلق خاطر ویژه‌ای دارند. این افراد با عباراتی همچون محل، هم‌محله‌ای و بومی، ساکنان را از یکدیگر تفکیک می‌کردند و ارادت خاصی نسبت به همسایگان قدیمی خود دارند و مفهوم هویت را بسیار ارزشمند می‌دانند؛ در حالی که هویت بومی در افراد دسته سوم، معنای به‌خصوصی ندارد.

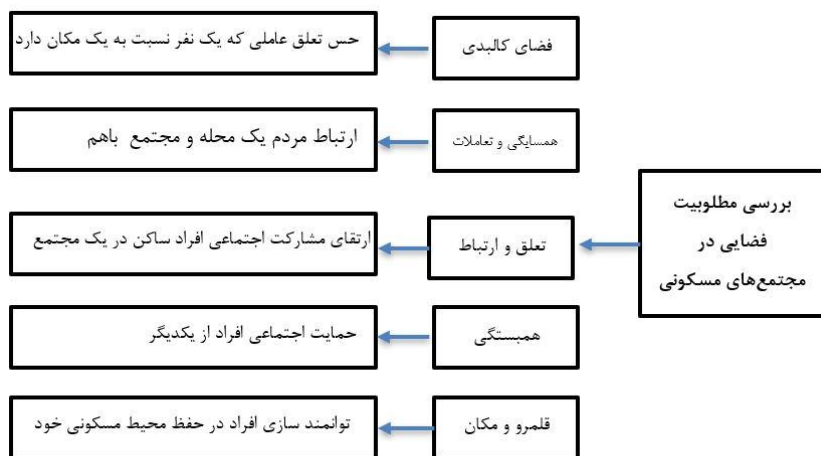


نمودار ۶. مفهوم هویت افراد ساکن مجموعه مسکونی (نگارندگان براساس پرسش‌نامه)

نتیجه‌گیری

پس از بررسی عوامل اولیه و ثانویه الگوی اجتماع‌محور در این پژوهش و بررسی نمونه موردی (مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه) برای افزایش تأثیر عوامل اشاره شده بر رسیدن به الگوی مناسب و مطلوبیت زندگی، لازم است موارد زیر مورد توجه قرار بگیرد:

۱. ایجاد فضاهای باز و فضای سبز و مبلمان محیطی در محیط‌های مسکونی در بین بلوک‌ها و مجتمع‌ها به‌صورت مشترک که با این راهکار، دسترسی ساکنان به فضاهای باز و سبز تسهیل یابد. همچنین حفظ و رسیدگی به فضای سبز قدمت‌دار موجود به‌عنوان محوری سبز و با نشاط به‌منظور ارتقای نقش خیابان و قوی‌تر کردن روابط اجتماع‌محور، مورد توجه قرار گیرد.
۲. سطح کیفیت محیط‌ها و مکان‌های موجود در مجتمع‌های مسکونی و در نتیجه حس تعلق در ساکنان بالا برده شود.
۳. کاهش استرس‌های روزمره از ساکنان با ایجاد فضاهای جمعی و در جریان بودن زندگی شبانه در میان خانواده‌ها و تعامل و ارتباط بیشتر همسایگان که منجر به گسترش تعاملات اجتماعی می‌گردد.
۴. به کودکان و نوجوانان و ساخت محیط‌های خاطره‌انگیز (همچون فضاهای ورزشی نیمه‌اختصاصی) برای آنان و شناساندن واژه هویت به آنها توجه شود.
۵. معضلات پیش روی با ریشه‌یابی آنها رفع شود و به آموزش به ساکنان در راستای رفع مشکلات اهمیت داده شود.
۶. از روابط همسایگی قوی در محله برای مشارکت فعال در مدیریت شهری استفاده شود.



نمودار ۷. نتیجه بررسی مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی با توجه به مطالعات (نگارندگان)

*این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «ارائه الگوی اجتماع‌محور در نوسازی مجتمع‌های مسکونی» به راهنمایی نگارنده دو و سوم و مشاوره نگارنده چهارم است.

References

- [1] Einifar, A., & Aghlatifi, A. (2011). The concept of territory in residential complexes: a comparative study of two residential complexes in altitude in Tehran. *Honar-Ha-Ye-Ziba (Memari-Va-Shahrsazi)*, 3(47), 17-28. https://jfaup.ut.ac.ir/article_28927.html?lang=en
- [2] Kamaei, M., & Nikpour, M. (2019, May 31). *The effect of the private and public spheres on housing and its related features*. 4th International Conference on New Horizons in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning, New Horizon Science and Technology Association, Tehran, Iran, <https://civilica.com/doc/911571>
- [3] Norberg-Schulz, C. (1980). *Meaning in Western Architecture* (M. Qayyumi Bidhendi, Trans.). Rizzoli. <https://books.google.com/books?id=5quKBxJUwvQC>
- [4] Alexander, C. (2014). *Standard patterns in architecture* (F. Hosseini, Trans.; Third ed.). Mehrazan.
- [5] Hajer, M. A., & Reijndorp, A. (2001). *In Search of New Public Domain: Analysis and Strategy*. NAI Publishers. <https://books.google.com/books?id=6axPAAAAAMAAJ>
- [6] Öst, C. E., & Wilhelmsson, M. (2019). The long-term consequences of youth housing for childbearing and higher education. *Journal of Policy Modeling*, 41(5), 845-858. <https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2019.05.008>
- [7] Heidari, S. (2016). *An introductory book on research methods in architecture* (Third ed.). Fekrno.
- [8] Einifar, A. (2007). The dominant role of early general patterns in the design of contemporary residential neighborhoods. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 4(32), 39-50. http://jhz.ut.ac.ir/article_18865.html
- [9] Islami, S. G., Hanachi, P., & Kamel Nia, H. (2009). A Comparative Analysis of “Community Architecture” with “Social Architecture” & “Participatory Architecture”. *Honar-Ha-Ye-Ziba (Memari-Va-Shahrsazi)*, 1(39), 47-60. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2018.68320>
- [10] Salmani Marvast, H., & Dehghani Tafti, M. (2019, July 25). *Explain the principles and criteria of designing residential complexes in Yazd city with a collective approach*. 3rd International Conference on Art, Architecture and Applications, Baharat University of India - Rahpooyan Haghighat Research Institute, Chennai, India, <https://civilica.com/doc/968850>
- [11] Mortazavi, S. (2001). *Environmental Psychology and its Application* (First ed.). Shahid Beheshti University.
- [12] Hosseinpour, A., & Shirazizadeh, A. (2015). *Creative City Environment*. Heleh.
- [13] Deilmi, S. (2011). *Guide to Determining and Analyzing Spatial Structure in Iran* [Master Thesis, Shahid Beheshti University]. Tehran, Iran.
- [14] Saremi, H., Khalaghdoost, M., & Khodabakhshi, S. (2016). *Environmental psychology in architecture and urban planning*. First and last.
- [15] Askari Tari, Z., & Litkoohi, S. (2016, June 15). *The effect of environmental psychology on the formation of social interactions in architectural spaces*. International Conference on Man, Architecture, Civil Engineering and the City, Center for Strategic Studies of Architecture and Urban Planning, Tabriz, East Azerbaijan, Iran. <https://civilica.com/doc/409901>
- [16] Norberg-Schulz, C. (1971). *Existence, Space & Architecture*. Praeger. <https://books.google.com/books?id=Rk60AAAAIAAJ>

- [17] Rahimi, A. (2015, February 25). *Approach and place of social interactions in architectural design*. The first conference on urban planning, management and urban development, Kharazmi Higher Institute of Science and Technology, Abadeh, Fars, Iran, <https://civilica.com/doc/584065/>
- [18] Friesinger, J. G., Topor, A., Bøe, T. D., & Larsen, I. B. (2019). Studies regarding supported housing and the built environment for people with mental health problems: A mixed-methods literature review. *Health & place*, 57, 44-53. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2019.03.006>
- [19] Naghizade, M. (2006). *Islamic Architecture and Urban Planning (Theoretical Foundations)*. Rahiyan.
- [20] Koohifard, E., & Dehghan, A. (2015, April 23). *Critique of the relationship between urban environment and architecture with culture and identity*. National Conference on Architectural Engineering, Civil Engineering and Physical Development, Panam Khat Novin Company, Kuhdasht Municipality, Kuhdasht, Lorestan, Iran, <https://civilica.com/doc/372714/>
- [21] Taghvaie, H. (2012). From Style to Identity in Architecture. *Honar-Ha-Ye-Ziba: (Memari-Va-Shahrsazi)*, 17(2), 65-74. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2012.30161>
- [22] Hosseini, M., & Dejdari, O. (2019, September 16). *Investigating the effective factors on place identity in social housing Case study : (Mehr Golha housing, Hamedan)*. The Second International Conference on New Horizons in Basic Sciences, Engineering and Technology, New Horizon Science and Technology Association, Tehran, Iran, <https://civilica.com/doc/980654>
- [23] Tavassoli, M. (1997). *Principles and Methods of Urban Design and Residential Spaces in Iran*. Iran Urban Planning and Architecture Studies and Research Center.
- [24] Altman, I. (1975). *The environment and social behavior: privacy, personal space, territory, and crowding* (A. Namazian, Trans.).
- [25] Lang, J. T., & Lang, H. S. A. U. N. S. W. D. U. D. J. (1987). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Van Nostrand Reinhold Company. <https://books.google.com/books?id=IHLwQgAACAAJ>
- [26] Ahqar, S. M., & Radfar, B. (2015). Investigating the effective factors on promoting social interactions among the residents of a residential neighborhood (Case study: Borj Ghorban neighborhood of Hamadan). *Environmental studies of Haft Hesar*(14), 15-24.
- [27] Naghi Lou, M., & Ahadi, P. (2016, November 8). *Investigating the Impact of Contextual Architecture on Social Interactions*. The first international conference on new ideas in urban architecture, geography and sustainable environment, Caspian Tea Gostar Knowledge Foundation Company in collaboration with Tarbiat Modares University Environmental Research Institute, Mashhad, Khorasan Razavi, Iran, <https://civilica.com/doc/641072>
- [28] Haqqani, M. (2017). *Promoting social interactions in residential complexes, in order to increase the sense of belonging to the place: providing architectural design solutions*. International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Development Management in Iran, Tehran - Maragheh Institute of Higher Education , Maragheh University of Technology in collaboration with Tabriz University - Shahid Madani University of Azerbaijan. <https://civilica.com/doc/847307/>

- [29] Hall, E. T. (1969). *The Hidden Dimension* (M. Tabibian, Trans.). Doubleday. <https://books.google.com/books?id=zGYPwLj2dCoC>
- [30] Huang, S.-C. L. (2006). A study of outdoor interactional spaces in high-rise housing. *Landscape and urban planning*, 78(3), 193-204. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2005.07.008>
- [31] Horelli, L. (2002). A methodology of participatory planning. In R. B. Bechtel, & A. Churchman (Eds.), *Handbook of Environmental Psychology* (pp. 607-628). Wiley, New York, United States .
- [32] Nasiri, M., & Borzoi, A. (1395). *Factors influencing security in the design of residential neighborhoods Case study: Three residential complexes in Gorgan; (Jam Jam residential complex of Hafezieh neighborhood, Shahriar town residential complex, Baharestan town residential complex)*. 4th International Congress of Civil Engineering, Architecture and Urban Development, Tehran - Permanent Secretariat of the Conference. <https://civilica.com/doc/619230>